

پنجشنبه ۲۶ آبان ۱۳۸۴ - ۱۴ شوال ۱۴۲۶ - ۱۷ نوامبر ۲۰۰۵ - سال شصت و چهارم - شماره ۱۸۳۸۴

سایه روشن های بهائیت - ۸۱
عمده ترین عوامل انحراف مشروطیت

بر اساس چارت تشکیلاتی «بیت العدل» اسرائیل در ارتباط کامل با ایادیان امرالله است و دارای مشاورین و معاونین قاره ای است. محفل ملی ایران در هر استان یک محفل استانی داشت که پس از آن محفل شهرستان و محفل ده قرار می گیرد. هر یک از محافل دارای حداکثر ۹ نفر عضو و لجنه هایی با عناوین زیر بودند:

مطبوعات، سمعی و بصری، نشر نفعات الله، ورقا و تزئید، معلومات، معارف آهنگ بدیع، اخبار امری، حیات، امأ الرحمن، خیانات نوزده روزه، گلستان موسیقی، نشر آثار امری و غیره. هر «لجنه» دارای چند «هیئت» و هر هیئت دارای چند «کمیسیون» است.

پس از کنفرانس لندن و انتخاب «بیت العدل حیف» گروهی از بهائیان، این کنفرانس و بیت العدل حیف به ریاست «روحیه ماکسول» را بی اعتبار دانستند و یک امریکایی به نام چارلز میسن ریمی را به عنوان جانشین شوقی افندی و رهبر بهائیان معرفی کردند و تحت عنوان ریمی ها از بهائیان جدا شدند.

چارلز میسن ریمی فرزند یک کشیش کلیسای اسقفی بود که در سال ۱۸۷۴ میلادی در یکی از شهرهای حاشیه رودخانه «می سی سی پی» آمریکا به دنیا آمد. او که تحت تعلیمات کلیسای اسقفی آمریکا پرورش یافته بود، از دوستان بسیار نزدیک شوقی افندی به حساب می آمد. وی که پس از آشنایی با «شوقی افندی» به فرقه ضاله بهائیت پیوسته بود، کم کم صاحب موقعیتی در میان بهائیان شد. دوستی این امریکایی با شوقی ربانی به حدی بود که شوقی ربانی وی را نماینده خود می خواند و در مراسم و جلساتی که نمی توانست در آنها حضور یابد، «میسن ریمی» را به جای خود می فرستاد. او دوبار به نمایندگی از سوسی شوقی افندی (ربانی) به سراسر دنیا و مراکز تجمع و نفوذ بهائیان سفر کرده بود. طرفداران چارلز میسن ریمی او را پنجمین پیشوا و رهبر بهائیان جهان می دانند و به وی لقب عزیزالله و ولی امرثانی داده بودند.

در همین ایام و در میانه کشمکش طرفداران خانم روحیه ماکسول و هواداران چارلز میسن ریمی بر سر رهبری فرقه بهائیت، یکی از بهائیان خراسان - که در کشور اندونزی اقامت داشت - ادعای مهدویت کرد و خود را موعود کتاب اقدس - کتاب مقدس بهائیان - دانست. این شخص که جمشید معانی نام داشت، برخود لقب سماءالله گذاشت و فرقه جدیدی به نام سمائی ها را به وجود آورد که گروهی از بهائیان بویژه بهایی های هند و پاکستان به او گرویده اند.

نورالدین چهاردهی یکی از محققین در ملل و نحل درباره جمشید معانی می نویسد:

«جمشید معانی مانند میسن ریمی که در آمریکا مدعی شد، وی در اندونزی دانشگاهی تشکیل داده و ورود بهائیان را در آن کشور مانع شده و گفته است در آخر ژانویه سنه ۱۹۶۶ م به معراج رفته است و ریشه درخت بها و ثمره آن معانی است».

(۱۰۴)

بهائیت در عصر مشروطیت

از زمان شیخ احمد احسایی تا انقلاب مشروطیت، یعنی حدود ۹۰ سال، شاهد بروز و ظهور فرقه های متعددی بودیم که نامدارترین آنها عبارتند از شیخیگری، بابیگری، ازلیگری و بهائیگری. در سالهایی که زمزمه قانون و مشروطه بر زبانها جاری شد، این فرقه ها انشعابات متعددی را پشت سر گذاشته و تنها شیخیگری و بهائیگری، آن هم به سبب حمایت کانونهای استعماری، محلی از اعراب داشتند و برسریا مانده بودند.

بسیاری از پژوهشگران و نویسندگان تاریخ که با نگرشی اسلامی به انقلاب مشروطیت نگاه می کنند، بابیگری و بهائیگری را یکی از عمده ترین عوامل انحراف آن می دانند. در این دوران شاه در رأس دولت و روحانیت راهبر و پیشاهنگ ملت بودند. در این ایام، دولت به خاطر مدیریت نادرست و سوءاستفاده دولتمردان در اوج فساد و از لحاظ مالی بسیار ضعیف بود. مطالبات آزادیخواهانه مردم روه تزايد داشت و روي هم رفته دو خط فکري خاص این خواست و نهضت را تغذیه می کردند. یکی علما و روحانیون که اصلاحات اجتماعی - مذهبی را خواستار بودند و تشویق می کردند و دیگری روشنفکران و تحصیلکردگان فرنگ رفته و به طور کلی غرب زده که الگوهای دموکراسی اروپایی را برای ایران می خواستند.

اما تفکر غالب، تفکر اسلامی بود. مورخان و کارشناسان غربی همچون خانم پروفیسور آن لمبتون جاسوس انگلیسی در ایران براین اعتقادند که در آن ایام مردم، ایران را «کشور اسلام» و شاه را هم «پادشاه اسلام» می خواندند. و پیش از انقلاب مشروطیت يك حرکت آزادیخواهانه و نوگرایانه توسط میرزاملکم خان ناظم الدوله و سیدجمال الدین اسدآبادي در ایران شروع شده بود و این جنبش که علیه فساد و استبداد داخلی و نفوذ خارجی بود به جنبشی ملی و اسلامی تبدیل شد.

البته دور از انتظار نیست که خانم «آن لمبتون» که پیوند و ارتباطاتش با آژانسهای جاسوسی انگلستان اثبات شده است، می کوشد تا حرکت میرزا ملکم خان نظام الدوله که از سوی «گراند لژ اسکاتلند»، یعنی سرزمین مرجع فراماسونری جهان، هدایت می شود و اهدافی جز برنامه های استعماری ندارد، را حرکتی آزادیخواهانه قلمداد نماید.

پس از ترور ناصرالدین شاه و آغاز سلطنت مظفرالدین شاه خواست و مطالبات مردم شدت بیشتری به خود گرفت. به استناد مدارک تاریخی، مردم از آغاز حرکت بیدارگرانه که منجر به مشروطیت شد، خواستار «عدالتخانه» بودند. یعنی به وجه اسلامی ماجرا بیشتر اهمیت می دادند و می خواستند تا این عدالتخانه ها بر مبنای معیارهای اسلامی اداره شود.

اگر به جریان مبارزه و طرح مطالبات مردم در آن ایام به دقت نگاه کنیم، می بینیم که عبارت مشروطیت درست بعد از بست نشینی در سفارت انگلیس بر لب های مردم نشست و مبلغان و کوشندگان این راه هم همانگونه که گفته شد، روشنفکران و تحصیلکردگان غرب رفته یا روشنفکران سکولار یا بابی مسلک بودند.

یکی از مهم ترین فعالان در این عرصه میرزاملکم خان ارمنی - پدر فراماسونری ایران (۱۰۵) - است و از دیگر افرادی که در این زمینه تلاش و فعالیت بسیار داشتند و با مقالات و نوشته های خود سعی در تبلیغ مشروطیت و دموکراسی از نوع غربی آن می کردند، باید از افرادی چون میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی نام ببریم که به اتهام دخالت در ترور نافرجام «ناصرالدین شاه» به دستور محمدعلی میرزای ولیعهد در تبریز کشته شدند. نکته جالب و در خور توجه پیرامون میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی این است که هر دو پیرو فرقه ضاله «باب» و داماد میرزا یحیی صبح ازل - سرکرده فرقه «بابی های ازلی» و برادر بهاءالله - بودند. براین گروه باید نام میرزا یحیی دولت آبادی را هم افزود. او هم از گروه بابیان مشروطه خواه و فعالان نهضت مشروطه خواهی در ایران بود. میرزا یحیی دولت آبادی در خانواده ای بابی به دنیا آمد و پدرش مأمور و

نماینده امور حسیه میرزا یحیی صبح ازل در ایران بود و هرساله وجوهات به اصطلاح شرعیه «بابی ها» راجع آوری می کرد و برای «میرزا یحیی صبح ازل» به قبرس می فرستاد.

۱۰۴- نورالدین چهاردهی، چگونه بهائیت پدید آمد، ص ۱۳۱.

۱۰۵- عبدالله شهبازی طی مقاله ای در فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۲۷، ص ۱۳، چنین نوشته است: مانکجی هاتریا بنیادگذار واقعی اولین سازمان فراماسونری ایران (فراموشخانه) است که به دلیل فقدان تحقیقات بنیادین در این زمینه تأسیس آن به غلط به میرزا ملکم خان نسبت داده شده است.

سایه روشن های بهائیت - ۹۱ مروج تروریسم -

شنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۴

آنچه به عنوان نتیجه این بحث عاید می گردد این است که در حقیقت انقلاب مشروطیت را روحانیون مسلمان به ثمر رساندند اما این انقلاب در نیمه راه توسط عده ای از روشنفکران سکولار بابی و بهایی از مسیر اصلی خود خارج شد و سرانجام آن به دیکتاتوری رضاخان رسید.

به طور کلی در انقلاب مشروطیت تغییر ساختار دولت و تبدیل دیکتاتوری به شکلی از حکومت عادلانه هدف مردم بود. تا آن زمان نظریه مدونی در مورد حکومت اسلامی وجود نداشت ولی روش دموکراسی غربی طرحی آماده و آزمایش شده در کشورهای اروپایی بود. به همین سبب با فشار روشنفکران غرب زده بویژه پیروان بابیگری و بهاییگری، مشروطه جایگزین تفکر عدالتخواهانه اسلامی شد.

تروریسم ؛ مشخصه بهائیان

تروریسم سیاسی در تاریخ معاصر ایران از اواسط دهه ۸۴۰ م/ ۱۲۶۰ ق، با بابیگری آغاز شد و چنان با بابیگری پیوند خورد که در دوران متأخر قاجار نام «بابی» و «تروریست» مترادف بود. بابی ها ترور امیرکبیر را طراحی کردند و در شوال ۱۲۶۸ ق، به ترور نافرجام ناصرالدین شاه دست زدند. از آن پس این شیوه در ایران تداوم یافت و بویژه در دوران انقلاب مشروطه و پس از آن اوج گرفت. بهائیان در عتبات نیز بیکار نبودند و سیداسدالله مازندرانی در عتبات به جرم سوء قصد به آیت الله خراسانی گرفتار شد. (۱۰۶)

فعالیت های تروریستی دوران مشروطه و پس از آن با نام سردار محبی، احسان اله خان دوستدار، اسداله خان ابوالفتح زاده، ابراهیم خان منشی زاده و محمدنظرخان مشکات الممالک در پیوند است.

فعالیت های مخفی اسداله خان ابوالفتح زاده (سرتیپ فرج قزاق) و ابراهیم خان منشی زاده (سرتیپ فرج قزاق) و محمدنظر خان مشکات الممالک از سال ۱۳۲۳ ق. و با عضویت در انجمن مخفی معروف به «بین الطلوعین» آغاز شد که جلسات آن در خانه ابراهیم حکیمی (حکیم الملک)، نخست وزیر بعدی دوران پهلوی، برگزار می شد و بسیاری از اعضای آن بابی ازلی و چند تن نیز بهائی بودند.

عضویت در این انجمن و فعالیت های بعدی ابوالفتح زاده و منشی زاده و مشکات الممالک (بهائی) و ازلیهای عضو انجمن فوق را باید بخشی از عملکرد شبکه توطئه گروا بسته به اردشیر رپورتر ارزیابی کرد. اعضای این انجمن، اعم از ازلی و بهائی، پس از تأسیس سازمان ماسونی لژیوناری ایران (۱۳۲۵ ق. / ۱۹۰۷ م) در پیرامون آن مجتمع شدند و مشکات الممالک صندوق دار لژیوناری ایران بود.

از ذی‌قعدة ۱۳۲۳ ق. این فعالیت با عضویت اسداله خان ابوالفتح زاده و برادرش سیف اله خان و ابراهیم خان منشی زاده در «انجمن مخفی دوم» تداوم یافت. در این انجمن سید محمد صادق طباطبایی (پسر آیت الله سید محمد طباطبایی)، ناظم الاسلام کرمانی (نویسنده کتاب «تاری بیداری ایرانیان» و آقا سید قریش (از اعضای بیت سید محمد طباطبایی) و شیخ مهدی (۱۰۷) (پسر آیت الله شیخ فضل الله نوری) عضویت داشتند. در همین زمان گرایش های تروریستی برخی اعضای این انجمن کاملاً مشهود بود. برای مثال، در یکی از جلسات انجمن مسئله قتل آیت الله سید عبدالله بهبهانی مطرح شد که با مخالفت سید محمد صادق طباطبایی مواجه گردید. اندکی بعد، ارباب جمشید جمشیدیان (دوست صمیمی و محرم اردشیر ریپورتر) به عضویت این انجمن درآمد.

گروه تروریستی فوق، سرانجام، شکل نهایی خود را یافت و به عملیات آشوبگرانه و تفرقه افکنانه ای چون ترور نافرجام شی فضل الله نوری (۱۶ ذیحجه ۱۳۲۶ ق.) دست زد.

عامل این ترور کریم دواتگر بود که به همراه افراد دیگری از جمله میرزا محمد نجات خراسانی - عضو فرقه بهائی و مرتبط با سفارت انگلیس که مشهور به فساد بود - دستگیر شد. «نجات» نیز عضو کمیته «بین الطلوعین» بود. به گفته سید حسن تقی زاده، «اسمارت»، نماینده سفارت انگلیس، در جلسات بازجویی از محمد نجات شرکت می کرد و مواظب بود که «نتوانند به میرزا محمد زور بگویند». طبق گزارش سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری، وزیر خارجه انگلیس، در جریان این بازجویی کریم دواتگر تلویحاً حسینقلی خان نواب، برادر عباسقلی خان کارمند سفارت انگلیس، را به ترور مربوط کرد. حسینقلی خان نواب نیز از نزدیکان و محارم اردشیر ریپورتر، رئیس شبکه اطلاعاتی حکومت هند بریتانیا در ایران، بود.

پس از آن ابوالفتح زاده و برادرانش و سایر اعضای گروه تروریستی و آشوبگر فوق، از جمله کریم دواتگر، در روستای قلعهک، که در آن زمان در ملکیت سفارت انگلیس بود و دولت ایران بر آن نظارت نداشت، مستقر شدند. در اول جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق. ابوالفتح زاده و منشی زاده، همراه با زین العابدین خان مستعان الملک، گروه تروریستی جدیدی تشکیل دادند موسوم به کمیته جهانگیر. ابوالفتح زاده و مستعان الملک و میرزا محمد نجات از جمله اعضای «محکمه انقلابی» بودند که حکم اعدام مجاهد نستوه شهید شیخ فضل الله نوری را صادر کردند. دادستان این محکمه شیخ ابراهیم زنجانی بود که تحت تأثیر میرزا مهدی خان غفاری کاشی (وزیر همایون)، عضو فرقه بهائی، قرار داشت.

در رجب ۱۳۲۸ ق. حادثه قتل سید عبدالله بهبهانی رخ داد که عاملان آن وابسته به شبکه تروریستی ابوالفتح زاده و منشی زاده بودند. یکی از ضاربان بهبهانی فردی به نام حسین الله بود که بعدها با ابوالفتح زاده و منشی زاده و مشکات الممالک در کمیته مجازات همکاری کرد. پس از این واقعه، ابوالفتح زاده به اروپا گریخت، مدتی بعد به ایران بازگشت و به عنوان متصدی گردآوری مالیات منطقه ساوجبلاغ و شهریار منصوب و اندکی بعد معزول شد که ابوالحسن علوی این عزل را نتیجه تبلیغات بهائیگری ابوالفتح زاده می داند.

در ذی‌قعدة ۱۳۳۴، ابوالفتح زاده و منشی زاده و مشکات الممالک عملیات خود را در قالب گروه جدیدی به نام کمیته مجازات آغاز کردند و به چند فقره قتل، همراه با انتشار اعلامیه هایی دست زدند که بازتاب اجتماعی و سیاسی فراوان داشت. (۱۰۸)

«کمیته مجازات» پایگاه بهائیان

یکی از مهم ترین پدیده های دوران انقلاب مشروطیت ترورهای مرموز و به هم پیوسته ای است که با محوریت «کمیته

مجازات» صورت می گرفت. تا چندی قبل عده ای اعتقاد داشتند که این تروریست ها در شمار افراد انقلابی سرخورده از عدم تحقق آرمان های مشروطه بودند که از روی ناچاری و یأس فکری - ایدئولوژیک به سمت آشوبگری و آناشیسیم و ترور کشیده شده اند. اگر به رویدادهای تاریخی با دقت نگاه کنیم، متوجه می شویم این تحلیل که در سریال «هزارستان» - ساخته علی حاتمی - نیز به مخاطب القا شده درست نیست و اقدامات تروریستی این گروه از همان ابتدای مشروطه خواهی آغاز شد. مانند ترور نافرجام شیخ فضل الله نوری توسط یکی از سرکردگان کمیته مجازات به نام کریم دوانگرویس از آن ترور افرادی چون سید عبدالله بهبهانی. به عبارت بهتر باید گفت برنامه آشوبگری و ترور این گروه زمانی آغاز شد که هنوز مشروطه خواهی بهار خود را سپری می کرد و مردم و انقلابیون در اوج خوش بینی به مشروطیت بودند و هنوز مقوله ای به نام سرخوردگی مطرح نبود. این افراد به هیچ وجه و با هیچ معیاری از نیروهای انقلابی یا سرخوردگان مشروطه نبودند. اما عمداً و آگاهانه در اعلامیه های «کمیته مجازات» تلاش می شد تا انگیزه آنها دینی و انقلابی وانمود گردد.

۱۰۶- نورالدین چهاردهی، چگونه بهائیت پدید آمد، ص ۳۰.

۱۰۷- پدر دکتر نورالدین کیانوری از رهبران حزب توده.

۱۰۸- عبدالله شهبازی، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۲۷، صص ۳۸-۴۳.

دوشنبه ۳۰ آبان ۱۳۸۴ - ۱۸ شوال ۱۴۲۶ - ۲۱ نوامبر ۲۰۰۵ - سال شصت و چهارم - شماره ۱۸۳۸۷

سایه روشن های بهائیت - ۲۰

حقایق تاریخی کمیته مجازات

وجه بهایی بودن اعضای کمیته مجازات و نقش مخفی و قابل توجهی که فرقه ضاله بهائیت در این ایام و در راستای تحقق سیاست های استعماری بریتانیا برعهده داشت، مسأله مهم و قابل تأملی است، عملیات تروریستی و قتل های پشت سرهم دوران مشروطه از مهم ترین عوامل در ایجاد يك بحران عظیم و عمیق است که تأثیرات روانی و تبلیغی و فرهنگی عظیمی برجای گذاشت و در فاصله چهارسال آنچنان بی تفاوتی در جامعه به وجود آورد و ساخت سیاسی کشور را چنان خشتی و آلوده کرد که در نهایت با هجوم چند صد نفر قزاق به سرکردگی رضاخان میرنچ از قزوین، پایتخت کشور به سادگی و بی هیچ مقاومتی به تصرف آنها درآمد و با سقوط حکومت قاجار، مشروطیت به سرنوشت شوم دیکتاتوری پهلوی دچار گردید. این موضوع که اعضای کمیته مجازات از پیروان فرقه بهائیت بودند و با طرح و برنامه استعماری به صحنه فراخوانده شده بودند يك ادعا نیست و اسناد و مدارك متعددی برای اثبات آن در دست است.

برخی نویسندگان نیز عملیات کمیته مجازات را اعتراض انقلابی در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و دولت وثوق الدوله خوانده اند و این درحالی است که کمیته مجازات در زمان اولین دولت وثوق الدوله در سال ۱۲۹۵ ش. / ۱۹۱۶ م. و در اوج وقایع پس از صدور فرمان مشروطیت تأسیس شد و تنها پنج ماه (تا پاییز ۱۲۹۶ / ۱۹۱۷) فعالیت کرد. بنابراین، عملکرد آن ربطی به قرارداد ۱۹۱۹ نداشت. (۱۰۹) بنیانگذاران و اعضای اصلی این کمیته از افرادی چون سرتیپ اسدالله خان ابوالفتح زاده، سرتیپ ابراهیم خان منشی زاده (۱۱۰) (که هردو از اعضای قدیمی بریگاد قزاق بودند)، محمدنظرخان مشکوه الممالک، احسان الله خان دوستدار، میرزا محمدخان نجات خراسانی، سردار محیی (برادر میرزا کریم خان رشتی، جاسوس معروف انگلیس) کریم دواتگرو میرزا علی اکبر ارداقي تشکیل می شد که زندگینامه همه آنها بشدت آلوده و اکثر آنها از پیروان فرقه ضاله بهائیت بودند. هسته مرکزی کمیته مجازات ابوالفتح زاده (به عنوان رئیس کمیته) و منشی زاده و مشکات الممالک بودند و مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران، سرتیپ اسدالله خان ابوالفتح زاده و سرتیپ ابراهیم خان منشی زاده را از پیروان فرقه بهائیت معرفی می کند. (۱۱۱) این موضوع را عبدالله متولی نویسنده کتاب کمیته مجازات نیز تأیید می کند و افزون بر دوف نفر نامبرده، مشکوه الممالک را هم پیرو این فرقه می داند. (۱۱۲)

پس از ترور اسماعیل خان رییس سیلوی تهران، شبنامه ای از سوی «کمیته مجازات» منتشر می گردد که مسئولیت اجرای این ترور را برعهده گرفته و ضمن بیان شعارهای ظاهراً انقلابی سایر افراد و مسؤولان را به مرگ تهدید می نماید.

یکی از اعضای «کمیته مجازات» به نام میرزا علی اکبر ارداقي در خاطرات خود به این شبنامه اشاره می کند و می نویسد: «انتشار این شبنامه به مراتب از قتل میرزا اسماعیل خان بیشتر تولید وحشت و اضطراب کرد. من و عمادالکتاب افراد گمنامی

بودیم و سه نفر دیگر نیز بهایی بودند. لذا این خود موجب شد که کسی درباره ما پنج نفر سوءظنی نبرد. . . «(۱۱۳) مدتی بعد، اعضای کمیته شناسایی و چند تن از ایشان دستگیر شدند. ابوالفتح زاده و منشی زاده در ۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۳۶ قمری، به شکلی مرموز در سمنان به قتل رسیدند و احسان الله خان دوستدار به قفقاز گریخت. مشکات الممالک نیز پس از مدت کوتاهی آزاد شد.

در زمان دستگیری اعضای کمیته مجازات، فرقه بهائی در دستگاه نظمیه از چنان نفوذی برخوردار بود که بتواند پرونده را به شیوه دلخواه خود فیصله دهد. نفوذ بهائیان در نظمیه از زمان ریاست کنت دومونت فورت بر نظمیه تهران آغاز شد. عبدالرحیم ضرابی (۱۱۴) (بهائی کاشانی) معاون او و کلانتر تهران بود و به این دلیل به عبدالرحیم خان کلانتر شهرت داشت. (۱۱۵)

پس از دستگیری اعضای کمیته مجازات، احمدخان صفا، مسئول پرونده فوق در نظمیه، به شکلی مرموز به قتل رسید. در این زمان، گروهی به نام «کمیته سیمرغ» طی اطلاعیه ای خطاب به رئیس الوزرا قتل صفا را ناشی از مماشاتی دانست که دولت در قبال بهائیان در پیش گرفته. گروه فوق مدعی بود که در تنظیم پرونده تنها نام ابوالفتح زاده و منشی زاده که بر خلاف میل مسئولان دولت تصادفاً به تله افتاده اند، ذکر شده و در مورد مشارکت سایر بهائیان مسکوت مانده است. در این اعلامیه چنین می خوانیم:

«احسان الله خان، قاتل منتخب الدوله و احمد آقاي روجي و ميرزا ضياءالله که عضو عمده کمیته تروریست بودند، هر کدام در يك محلي مشغول عيش و نوش مي باشند. . . ما، که بر تمام احوال و اسرار اطلاع داریم، نخواهیم گذاشت که کابینه وزرا از طایفه [بهائی] تشکیل شود زیرا که اینها شروع به وزیرکشی هم خواهند کرد تا اینکه دیگر کسی زیر بار وزارت نرود و میدان را برای خود مصفا نمایند. . . این رشته سر دراز دارد». (۱۱۶)

۱۰۹- عبدالله شهبازی، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۲۷، پاییز ۸۲، صص ۴۵ و ۴۶.
۱۱۰- یکی از سه پسر میرزا ابراهیم خان منشی زاده، به نام داوود منشی زاده، در سال های پس از شهریور ۱۳۲۰ به تأسیس گروه فاشیستی سومکا دست زد. این گروه با نظامیان عالی رتبه وابسته به سازمان اطلاعاتی انگلیس، به رهبری سرلشکر حسن ارفع، رابطه تنگاتنگ داشت و اقدامات آن بخشی از عملیات شبکه فوق به شمار می رفت. (عبدالله شهبازی، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۲۷، ص ۴۶، به نقل از ظهور و سقوط پهلوی، ج ۲، ص ۴۴۰).

۱۱۱- مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، جلد اول، ص ۱۱۲ و یغما، سال ۵ (۱۳۳۱)، ص ۱۳۴.

۲۱۱- فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۷.

۱۱۳- خاطرات علی اکبر ارداقي، ص ۵۱.

۱۱۴- عبدالرحیم ضرابی با مانکجی هاتریا، رئیس شبکه اطلاعاتی بریتانیا در ایران، مرتبط بود و کتاب تاریخ کاشان را به سفارش مانکجی نوشت. عبدالرحیم خان ضرابی از اعضای خاندان سپهر و از خویشان مورخ الدوله سپهر است و پدر علیقلی خان نبیل الدوله بهائی معروف که از دوستان عباس افندی و سال ها کاردار سفارت ایران در ایالات متحده آمریکا بود. علیقلی خان ضرابی (نبیل الدوله) نیز در جوانی در سفارت انگلیس در تهران کار می کرد. وی در آمریکا یکی از ماسون های بلند پایه شد و در طریقت اسکاتی کهن به درجه سی و سوم (عالی ترین درجه ماسونی) رسید.

- ۱۱۵- عبدالله شهبازي، فصلنامه تاريخ معاصر ايران، ش ۲۷، صص ۴۴-۴۵.
- ۱۱۶- عبدالله شهبازي، تاريخ معاصر ايران، ش ۲۷، صص ۴۴-۴۵، به نقل از آرشیو مؤسسه مطالعات تاريخ معاصر ايران، پرونده ۴۳۸۵۰ - ن.

سه شنبه اول آذر ۱۳۸۴ - ۱۹ شوال ۱۴۲۶ - ۲۲ نوامبر ۲۰۰۵ - سال شصت و چهارم - شماره ۱۸۳۸۸

سایه روشن های بهائیت - ۱۲

یاور صهیونیستها

پس از کودتای ۱۲۹۹ شمسی و پیدایش رضاخان در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران اعضای فرقه ضاله بهائیت پس از سالها فعالیت نیمه پنهان از آزادی عمل فراوانی برخوردار شدند و با حمایت قدرتهای استعماری بویژه دولت انگلستان و براساس يك برنامه از پیش تدوین شده تهاجم ویژه ای را علیه مبانی سنتی و اعتقادی ملت مسلمان ایران آغاز کردند و در عرصه تخریب فرهنگی این مرز و بوم فعال شدند.

جاسوسی برای بیگانگان

همانطور که در صفحات پیشین اشاره شد، دولت روسیه تزاری نخستین یار و مددکار بهائیان بود. آنان نه تنها از اقتدارشان برای نجات جان میرزا حسینعلی نوری (بهاءالله) سود بردند، بلکه اولین کشوری بودند که مرزهای خود را بر روی بهائیان گشودند و اولین معبد آنها، یعنی نخستین «مشرق الاذکار» بهائیان را در شهر عشق آباد ایجاد کردند. تصور بر این بود که همکاری بهائیان و دولت روسیه با انقلاب کمونیستی به پایان راه خود می رسد، اما مدارك نوظهور، حکایت از همکاری بهائیان با روس های بلشویك و انقلابی دارد و هم اکنون مداركي منتشر شده است که نقش بهائیان را در شکست نهضت جنگل و میرزا کوچک خان نشان می دهد.

یکی از نویسندگان معاصر به نقل از عبدالحسین آیتی، مبلغ پیشین بهائیان، مواردی از همکاری بهائیان ساکن عشق آباد با سازمان جاسوسی شوروی «کا. گ. ب» را ارائه می کند و متذکر می شود که اینان به عنوان جاسوسان چندجانبه در خدمت روسیه و پس از آن «اتحاد شوروی» بوده اند. (۱۱۷)

همپیمان با صهیونیست های یهودی

بهائیان از ابتدای پیدایش این فرقه در «عکا»، واقع در فلسطین اشغالی کنونی، متحد صهیونیست ها در برخورد با عرب های بومی و مسلمان بودند. آنان همواره بر اساس يك سلسله منافع مشترك در کنار یکدیگر قرار می گرفتند و در جهت مقابله با اسلام گام بر می داشتند.

نکته قابل توجه آنکه بررسی ها نشان می دهد یهودیان نقش بسزایی در پیدایش، گسترش و رشد فرقه بابیه و بهائیه داشته اند. به گواهی اسناد تاریخی ۵ سال پیش از آغاز دعوت علی محمد باب و درست اندکی پس از استقرار کمپانی ساسون در بوشهر و بمبئی، یهودیان مشهود بدون هیچ فشاری به طور دسته جمعی مسلمان شدند و اولین کسانی هم که در خراسان بابی شدند همین یهودیان جدیدالاسلام مشهود بودند. همچنین ورود بابی گری به «سیاهکل» توسط میرزا ابراهیم جدید، یهودی جدیدالاسلام ساکن رشت، صورت گرفت. (۱۱۸)

«دایره المعارف یهود» یهودیان جدیدالاسلام مشهود را در شمار یهودیان مخفی (انوسی ها) دسته بندی می کند و نه در ذیل

مرتدین و این نشانگر این اصل است که آنها براساس طرح و برنامه و به دستور مجامع و محافل دینی خود و برای فریب افکار عمومی تن به این کار داده بودند. والتر میشل، محقق یهودی، می نویسد که این جدیدالاسلام ها همچنان مخفیانه به دین یهود پایبند بوده و هستند. (۱۱۹)

از جمله این جدیدالاسلام های مشهد، نورالله زبولونی بود که به گفته مئیر عزری - سفیر اسرائیل در ایران - از بازرگانان مشهد بود که نمایندگی یهودیان مشهد را در همه کنگره های جنبش خلوتص (۱۲۰) به دوش داشت و وفاداری اش به اسرائیل و پایبندی اش در یاری به ویژه مهاجران [یهودیانی که به اسرائیل مهاجرت می کردند] زبانزد و از حامیان و پشتیبانان شلمو هیلل (موریس پرن) (۱۲۱) بود. (۱۲۲)

گروهی گرویدن یهودیان به بهائیت را تحت تأثیر انگیزه ها و منافع مادی و عده ای دیگر هدف از این کار را افزودن بر حجم سیاهی لشکر دشمنان اسلام می دانند. بهائیان ستاره داوود را مانند بابیه اسم اعظم می دانند و برای جلب محبت اسم اعظم را که شعار بهائیت است ترسیم کرده و در قبرستان یهود مدفون سازند. (۱۲۳)

انتقال حسینعلی نوری (بهاء) به «عکا»، کمک دیگری بود به نزدیکی و همکاری هرچه بیشتر بهائیان با کانون های یهودی فعال مستقر در غرب که عبدالهء جانشین «بهاء»، نیز به این همکاری ادامه داد. او و دیگر بهائیان در تحقق استراتژی تأسیس دولت یهود در فلسطین سهم بسزایی داشتند که استعمارگران حامی اسرائیل - بویژه آمریکا و انگلیس - به پاس همین خدمات بهائیان، آنان را همواره از حمایت های مادی و تبلیغی خود برخوردار کرده اند. تاجایی که اسرائیل در زمان شوقی افندی به عنوان مرکز اصلی بهائیان قرار داده شد.

در زمان زندگی شوقی افندی رژیم اشغالگر قدس در فلسطین به روی کار آمد و این رژیم به پاس تلاش بهائیان در ایجاد یک فرقه انحرافی مذهبی در قلب جامعه اسلامی، فرقه ضاله بهائیت را به عنوان یک دین به رسمیت شناخت و آن را جزو مذاهب رسمی کشور خود قرار داد. و افزون بر آن املاک و اموال پیروان این فرقه تحت حمایت واقع شد و از کلیه مالیات ها و عوارض معاف گردید. «شوقی افندی» جانشین عباس افندی (عبدالهء) می گوید:

«دولت اسرائیل وسایل راحتی ما را فراهم کرد.» (۱۲۴)

و در مورد بخشی از راحتی و حمایت های مادی و معنوی فعالیت آنان چنین توضیح می دهد:

«در ارض اقدس [اسرائیل] شعائر امریه [بهائیت] بی پرده و حجاب اجرا می شود... و معافیت مقامات [بهائیت] و توابع آن از مالیاتهای دولت [اسرائیل] از طرف اولیای امور تصویب گردید.» (۱۲۵)

از عواملی که باعث شد اسرائیل بیشتر به بهائیان روی خوش نشان بدهد، سرمایه گذاری بهائیان و جذب سرمایه های بزرگ آنان در اسرائیل بود که باعث شکوفایی اقتصادی این رژیم نامشروع می شد. از جمله می توان به تدفین رهبران بهائی در این کشور که هر ساله گروه کثیری از بهائیان را با سرمایه های کلان به آنجا می کشاند، اشاره کرد.

۱۱۷- شهبازی، عبدالله، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۷، به نقل از عبدالحسین آیتی، کشف الحیل، جلد ۳، صص

۸۵-۸۷

۱۱۸- شهبازی، عبدالله، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۷.

- ۱۱۹- شهبازي، عبدالله، فصلنامه تاريخ معاصر ايران، شماره ۲۷.
- ۱۲۰- خلوتص عنوان عبري سازمان پيشاهنگي يهود ويكي از تشکل هاي كاملاً وابسته به آژانس يهود در ايران بود.
- ۱۲۱- شلمو هليل با نام مستعار موريس پرز ازسوي دستگاه مهاجرت اسرئيل براي ياري به مهاجرت جوانان عراقي از راه ايران، به ايران آمد و نماينده آژانس جهاني يهود بود.
- ۱۲۲- خاطرات مثير عزري، جلد اول، ص ۴۴.
- ۱۲۳- نورالدين چهاردهي، چگونه بهائيت پديد آمد، ص ۷۱.
- ۱۲۴- اخبار امري، سال ۱۰۷ بديع، ماره ۸، ص ۲ به نقل از فصلنامه تاريخ معاصر ايران، شماره ۲۷.
- ۱۲۵- توقعات مبارکه، نوروز ۱۰۱ بديع، ص ۱۵۹، همان

سایه روشن های بهائیت - ۲۲
درهم تنیدگی با جامعه صهیونیست ها

توجه فرقه ضاله بهائیت به اسرائیل و صهیونیسم تاحدی است که شوقی ربانی سومین پیشوای این فرقه یکی از مهم ترین وظایف شورای بین المللی بهائیان را رابطه با دولت اسرائیل قلمداد می کند. وی همچنین در نقشه ده ساله اش، حمایت از دولت اسرائیل را بر همه دولتهای جهان ترجیح می دهد (۱۲۶) و به بهائیان فرمان می دهد که به تشکیل محافل روحانی و ملی بر مبنای قوانین و مقررات دولت اسرائیل اقدام نمایند:

«در ارض اقدس، بر حسب قوانین و مقررات حکومت جدید التأسيس... اینگونه محافل را به وجود آورید». (۱۲۷)
و حال آنکه در تشکیل همین محافل در کشورهای ایران، عراق، انگلستان و آلمان، رعایت قوانین و مقررات این دولت ها را مطرح نمی کند! (۱۲۸)

این حمایت های آشکار و قوی از دولت اسرائیل، سبب شد تا «فرمان نیویج»، یکی از مهره های مهم دولت اسرائیل، فرقه مجهول و منحرف «بهائیت» را در ردیف اسلام و مسیحیت و یهودیت قرار داده و آن را يك «دين جهاني و بين المللي» بنامد:

«اکنون فلسطین را نباید في الحقیقه منحصراً سرزمین سه دیانت محسوب داشت، بلکه باید آن را مرکز و مقر چهار دیانت به شمار آورد، زیرا امر بهائی که مرکز آن حیفا و عکاست و این دومدینه زیارتگاه پیروان آن است، به درجه ای از پیشرفت و تقدم نائل گشته که مقام دیانت جهانی و بین المللی را احراز نموده است، و همان طور که نفوذ این آئین در سرزمین مذکور روز به روز رو به توسعه و انتشار است، در ایجاد حسن تفاهم و اتحاد بین المللی ادیان مختلفه عالم نیز عامل بسیار مؤثری به شمار می آید». (۱۲۹)

روحیه ماکسول (آخرین رهبر فرقه بهائیت) و همسر شوقی می گوید:
«من ترجیح می دهم که جوانترین ادیان [بهائیت] از تازه ترین کشورهای جهان [اسرائیل] نشو و نما نماید و در حقیقت باید گفت آینده ما یعنی [بهائیت و اسرائیل] چون حلقات زنجیر به هم پیوسته است». (۱۳۰)
بهائیان، کشور ایران را مهد و خاستگاه فرقه بهائیت می دانند و سعی بلیغ و جد و جهد وافر برای انجام تبلیغات بهایی گری در ایران داشته و دارند. اما آنها از دیگر نقاط جهان نیز غافل نبودند و حتی در بسیاری از سرزمین ها با دعوت رسمی دولت های استعمارگر، مبلغان خود را بدان سرزمین ها می فرستادند.

بی شك هدف استعمارگران از طرح و حمایت از بهائیان ایجاد تشت و چندپارگی در میان مسلمین و تبدیل آنها به گروههای متخاصم و جزایر تك تك و بی رابطه و درگیر ساختن آنان در جنگ های عقیدتی بود.

لازم به ذکر است که یکی از عوامل پیشرفت بهائیان، تظاهر آنان به اسلام در ملاء عام بوده است. به عنوان نمونه عباس افندی پس از مرگ بهاء، ابتدا باب هر نوع تبلیغی را مسدود کرد و همراه افراد دیگر فامیل، در لباس مسلمانی به انجام مراسم مذهبی اسلامی مشغول شد و به نحوی در این ظاهرسازی ها رعایت جوانب را در نظر داشت که کمتر کسی احتمال

ضعف ایمان مسلمانی آنان را می داد. چه رسد به خروج از اسلام و نفی همه ارزش های اسلامی. (۱۳۱)

اتحاد بهائیان و صهیونیستها

بهائیان علاقه و روابط ویژه ای با دولت اسرائیل داشته اند و براساس همین علاقه با تجار صهیونیست نیز متحد هستند و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران به صورت همگام عمل می کنند.

پس از تشکیل دولت غاصب اسرائیل سران جریان صهیونیسم، بهائیت را به عنوان دین به رسمیت شناختند و اجازه دادند تا نخستین معبد بزرگ بهائیان به نام «مشرق الاذکار» (۱۳۲) در آنجا ساخته شود:

«موقوفات بین المللی بهایی برصفحه جبل کرمل با امضای قراردادی با مقامات اسرائیلی برای ابتیاع قطعه زمینی به مساحت سی و شش هزار مترمربع واقع در رأس جبل کرمل جنب غار ایلیا به مقدار زیاد افزایش یافته. همچنین با تملک نقطه ای که به قدوم مبارک حضرت بهاءالله متبرک و محل نزول لوح کرمل بود، به قیمت یکصد و هشت هزار دلار خریداری گردید و قرار شد اولین مشرق الاذکار ارض اقدس بر آن ساخته شود. . .» (۱۳۳)

نقشه این معبد بهائیان و نیز گور بهاءالله و سیدعلی محمد باب توسط یکی از اساتید بهایی دانشکده معماری دانشگاه تهران به نام دکتر عباس امانت تهیه و با صرف دهها میلیون دلار زیر نظر او ساخته شد.

به دلیل وجود گور بهاءالله و عباس افندی و شوقی افندی (رئانی) و نیز بزرگترین معبد بهائیان در اسرائیل، همواره بهائیان در شمار افرادی قرار داشتند که خواستار برقراری رابطه رسمی بین ایران و اسرائیل بودند و حتی شایع است تاجری که وسیله پرداخت رشوه ۴۰۰ هزار دلاری به ساعد مراغه ای در ازای ایجاد رابطه با اسرائیل را فراهم آورد، بهایی بود.

بهائیت به مثابه یک حزب صهیونیستی

شوقی افندی در زمان حیات خود به بهائیت صورت تشکیلات حزبی داد و در هر شهر محفل ویژه بهائیت به وجود آورد و در بسیاری از کشورها این محافل بهائیان را به صورت محافل مذهبی و یا شرکت های تجاری به ثبت رساند.

روحیه ماکسول همسر شوقی افندی در این مورد می نویسد:

«میل مبارک آن است که . . . محفل را به اسم جمعیت دینی و اگر نشد به عنوان هیئت تجارتي تسجیل نمایند.» (۱۳۴) بسیاری از کارشناسان بر این اعتقادند که اگر بهائیت توانسته است تاکنون برپا بماند به سبب همین نظام کنترل اجتماعی بود. در زمان شوقی افندی هرکس برخلاف اراده مرتکب عملی می شد، ابتدا از این تشکیلات اخراج می گردید. به این مرحله «طرد اداری» می گفتند و اگر آن شخص در مخالفت خویش ایستادگی می کرد، او را از جامعه بهائیت طرد می کردند که آن را «طرد روحانی» نام گذاشته بودند.

البته بهائیان در کنار این طردها که نسبت به افراد متخلف داشتند و با برخوردهای خشن و سنگین همراه بود نسبت به جامعه پیروان خود بسیار حساس بوده و به عنوان پشتیبانی همیشه در صحنه، در تمام زمان ها و مکان ها حضور داشته اند.

حضرت امام خمینی «قدس سره» در سال ۱۳۲۱ ضمن انتقاد از سکوت جامعه مسلمانان نسبت به ظلم ها و مشکلات مسلمین، خصلت وحدت و اتحاد بهائیان را مورد اشاره قرار داده و خطاب به مؤمنین می فرماید:

«خوب است دینداری را دست کم از بهائیان یاد بگیرید که اگر یک نفر آنها در یک دیه زندگی کند، از مراکز حساس آنها با او رابطه دارند و اگر جزئی تعدی به او شود، برای او قیام کنند.» (۱۳۵)

- ۱۲۶- سعیدزاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، مرکز نشر اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۲۵۷.
- ۱۲۷- اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت، مؤسسه تحقیقی رائین، ص ۱۷۰.
- ۱۲۸- روزنامه جمهوری اسلامی، مورخه ۱۳۸۲/۱۱/۸.
- ۱۲۹- اسماعیل رائین، انشعاب در بهائیت، صص ۱۷۱ و ۱۷۰.
- ۱۳۰- اخبار امری، ش ۱۰، دیماه ۱۳۴۰ (ژانویه ۱۹۶۲، شماره صفحات مسلسل ۶۰۱).
- ۱۳۱- سیدمحمدباقر نجفی، بهائیان، ص ۶۶۵.
- ۱۳۲- نخستین مشرق الاذکار در عشق آباد بنا شده است.
- ۱۳۳- عباس افندی (عبدالبهأ)، کتاب قرن بدیع، جلد دوم، چاپ مصر، صص ۲۳۱-۲۳۰.
- ۱۳۴- روحیه خانم ام البهأ، ترجمه ابوالقاسم فیض، کتاب گوهر یکتا در ترجمه احوال مولای بی همتای ما، ص ۳۸۴، به نقل از بهائیت در ایران، ص ۲۵۶.
- ۱۳۵- صحیفه نور، جلد ۱، ص .

پنجشنبه ۳ آذر ۱۳۸۴ - ۲۱ شوال ۱۴۲۶ - ۲۴ نوامبر ۲۰۰۵ - سال شصت و چهارم - شماره ۱۸۳۹۰

سایه روشن های بهائیت - ۳۲
اعلام خطر امام علیه نفوذ بهائیان

امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۱ فرقه ضاله بهائیت را یک حزب سیاسی خواندند و اینک که به مدد پیروزی انقلاب اسلامی اسناد بسیاری از روابط این فرقه با صهیونیست ها افشا شده، صحت این نظریه بیش از پیش اثبات گردیده است. رژیم پهلوی برای مسافرت سران محافل متعدد بهائیان ایران از نقاط مختلف ایران به لندن و شرکت در انتخابات جهانی «بیت العدل» تسهیلات ویژه ای قائل شد و به هر بهائی که عازم این سفر می گردید، مبلغ پانصد دلار ارز با تخفیف ویژه و نیز تخفیف قابل توجهی در بهای بلیط رفت و برگشت هواپیما در نظر گرفته و پرداخت می کرد. خبر این غارت و چپاول بیت المال مسلمین اعضای فرقه ضاله بهائیت به اطلاع حضرت امام خمینی (ره) رسید، ایشان در تاریخ دهم فروردین ۱۳۴۱ در یک سخنرانی به این امر اعتراض کردند (۱۳۶) و زمانی که اعزام نمایندگان محافل بهائیان ایران وارد مراحل اجرایی شد، طی پیام ویژه ای در پاسخ به علمای اعلام و حجج اسلام یزد فرمودند: «از چیزهایی که سوءنیت دولت حاضر را اثبات می کند، تسهیلاتی است که برای مسافرت دوهزار نفر یا بیشتر از فرقه ضاله قائل شده است و به هریک ۵۰۰ دلار ارز داده اند و قریب ۱۲۰۰ تومان تخفیف در بلیط هواپیما داده اند، به مقصد آنکه این عده در محفلی که در لندن از آنها تشکیل می شود و صد درصد ضد اسلامی است، شرکت کنند.» (۱۳۷) آنگاه حضرت امام به رخنه عوامل اسرائیل بویژه بهائیان در بسیاری از پست های کلیدی و حساس کشور اشاره کرده و چنین هشدار می دهند:

«آقایان باید توجه فرمایند که بسیاری از پست های حساسی به دست این فرقه است که حقیقتاً عمال اسرائیل هستند. خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. پیمان با اسرائیل در مقابل دول اسلامی یا بسته شده یا می شود. لازم است علمای اعلام و خطبای محترم سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم. امروز روزی نیست که به سیره سلف صالح بتوان رفتار کرد با سکوت و کناره گیری همه چیز را از دست خواهیم داد...» (۱۳۸) ایشان طی همین پیام عزم خویش را برای مبارزه مستمر با رژیم پهلوی اعلام می دارند و با تأکید بر این که علمای اسلام باید دین خود را به اسلام و پیامبر ادا نمایند، می فرمایند:

«اسلام به ما حق دارد. پیغمبر اسلام حق دارد. باید در این زمان که زحمات جانفرسای آن سرور در معرض زوال است، علمای اسلام و وابستگان به دیانت مقدسه دین خود را ادا نمایند. من مصمم هستم که از پای نشینم تا دستگاه فاسد را به جای خود بنشانم...» (۱۳۹)

در مطالب دستنویس بهاء الله نیز آمده است:

«جمیع احزاب عالم را فرا گرفته و خواهد گرفت.» (۱۴۰)

در سال ۱۳۴۱ حضرت امام خمینی (ره) خطر نفوذ و گسترش این فرقه منحرف در ارکان رژیم پهلوی را یادآور شده و فرمودند: «... اینجانب حسب وظیفه شرعیه به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم، قرآن کریم و اسلام در معرض خطرات استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه صهیونیست‌هاست که در ایران به [صورت] حزب بهائی ظاهر شدند و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید عمال خود قبضه می‌کنند... تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است و دولت‌ها ناظر آن هستند...» (۱۴۱)

شوقی افندی برای اجرای این برنامه خود، در سال ۱۳۲۸ شمسی برابر با سال ۱۹۵۱ میلادی، یعنی هشت سال قبل از مرگش تشکیلاتی به نام «بیت العدل» را به وجود آورد و به عنوان پیشوا و رهبر بهائیان جهان اهدافی به شرح ذیل برای آن معین ساخت:

- ۱- به رهبران دولت اسرائیل وارد مذاکره شود و رسماً با این رژیم ایجاد رابطه نماید.
 - ۲- به او در انجام وظایف رهبری و اداره جامعه بهائیت کمک کند.
 - ۳- با اولیای امور و رهبران کشورها در باب مسائل شخصی بهائیان وارد مذاکره شود. (۱۴۲)
- شوقی افندی شخصاً اعضای نخستین «بیت العدل» را انتخاب کرد، اما دستور داده بود که اعضای آن بعدها از طریق انتخابات معین گردند. اسامی افرادی که توسط شوقی افندی به عنوان اعضای نخستین «بیت العدل» بهائیان جهان انتخاب شدند، به این شرح بود:
- ۱- ایادی امرالله ام‌البها روحیه خانم ماکسول [همسر شوقی افندی] - عضو رابط بین ولی امرالله [شوقی افندی] و هیأت
 - ۲- ایادی امرالله چارلز میسن ریملی - رئیس
 - ۳- ایادی امرالله امیلیاکالز - نایب رئیس
 - ۴- ایادی امرالله لیروی ایواس - منشی
 - ۵- ایادی امرالله یوگر جی‌اگری - عضو سیار
 - ۶- ایادی امرالله، امه الله جسی رول - امین صندوق
 - ۷- ایادی امرالله اتل رول - معاون منشی برای مکاتبه با غرب
 - ۸- ایادی امرالله لطف الله حکیم - معاون منشی برای مکاتبه با شرق.
 - ۹- امه الله سیلوا آیواس از چهارم ماه مه ۱۹۵۵ به عضویت این تشکیلات معین گردید. (۱۴۳)
- افزون بر این گروه شوقی افندی در تاریخ سوم آذرماه ۱۳۳۵ شمسی تعداد ۲۷ نفر دیگر را برای انجام وظایف مختلف و تبلیغ و توسعه حوزه نفوذ بهائیان و بنا به نوشته خودشان «حفاظت و تبلیغ حضرت بهاء الله تحت نظر ولی امرالله» انتخاب کرد و به آنان لقب «ایادی امرالله» بخشید.

-
- ۱۳۶- سخنرانی حضرت امام خمینی (ره) به نقل از صحیفه نور، جلد اول، چاپ اول، ص ۱۲.
 - ۱۳۷- نامه مورخه اردیبهشت ۱۳۴۲ در پاسخ به علمای اعلام و حجج اسلام یزد، صحیفه نور، جلد اول، چاپ اول، ص ۴۴.
 - ۱۳۸- نامه مورخه اردیبهشت ۱۳۴۲، صحیفه نور، جلد اول، چاپ اول، ص ۴۴.

۱۳۹- همان.

۱۴۰- برگي از كتاب بهائيان كه نامش روي آن حك نشده است. مطالب دستنويس، بي تا، بي نا.

۱۴۱- صحيفه نور، مجموعه رهنمودهاي امام خميني، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۶۱، صص ۳۵-۳۴.

۱۴۲- مجله اخبار امري، آذر و دي ماه ۱۳۲۹ شمسي، صص ۵-۴.

۱۴۳- مجله اخبار امري، شماره ۵، سال ۱۰۹ بديع.

شنبه ۵ آذر ۱۳۸۴ - ۲۳ شوال ۱۴۲۶ - ۲۶ نوامبر ۲۰۰۵ سال شصت و چهارم - شماره ۱۸۳۹۱

سایه روشن های بهائیت - ۴۲
بهائیت سکولار

اسامي ا این افراد به شرح زیر بود:

- ۱- ایادی امرالله چارلز میسن ریمی
- ۲- ایادی امرالله روحیه خانم ماکسول
- ۳- ایادی امرالله املیا کالیز
- ۴- ایادی امرالله لروی لیواین
- ۵- ایادی امرالله علی اکبر فروتن
- ۶- ایادی امرالله جلال خاضع
- ۷- ایادی امرالله ابوالقاسم فیضی
- ۸- ایادی امرالله پل هنی
- ۹- ایادی امرالله حسن بالیوزی
- ۱۰- ایادی امرالله دکتر یوکر جیاگری
- ۱۱- ایادی امرالله دکتر هرسن گروسمن
- ۱۲- ایادی امرالله دکتر ادلبرت موشکل
- ۱۳- ایادی امرالله جان فرابی
- ۱۴- ایادی امرالله هورانسس هولی
- ۱۵- ایادی امرالله گوروین ترو
- ۱۶- ایادی امرالله موسی هنانی
- ۱۷- ایادی امرالله انیوک الیگا
- ۱۸- ایادی امرالله ویلیام سیرز
- ۱۹- ایادی امرالله جان روباتس
- ۲۰- ایادی امرالله کلارا دان
- ۲۱- ایادی امرالله آگنس الکساندر
- ۲۲- ایادی امرالله طرازالله سمندری
- ۲۳- ایادی امرالله شعاع الله ایادی

۲۴- ایادی امرالله ذکرالله خادم

۲۵- ایادی امرالله علی محمد ورقا (۱۴۴)

۲۶- ایادی امرالله رحمت الله مهاجر

۲۷- ایادی امرالله کالیس فدرستون

این گروه در حقیقت اعضای مرکزیت شبکه بهائیت بودند و فرقه بهائیت از طریق همین افراد به سراسر جهان مرتبط بود. تشکیلات بهائیت در ایران توسط محافلی که از سطح روستا تا سطح ملی تشکیل شده بود، اداره می شد و هر محفل دارای ۴۰ لجنه برای پوشش کلیه فعالیت های بهائیان بود.

نقش آمریکا در گسترش فرقه

با وجود آنکه مؤسسين فرقه بهائیت ابتدا روسیه و انگلیس بودند، اما پس از مدتی، آمریکا به عنوان استعمارگر جدید و تازه نفس به میدان آمد و با ذکر شواهد متعدد تاریخی می توان از آمریکا به عنوان مهم ترین عامل حفظ و گسترش بهائیت نام برد. احمد کسروی (۱۴۵) اگرچه با اصل دین مخالف بود اما برای نفی آن به افشای ماهیت این فرقه دست ساخته استعمار اشاره نموده و در کتاب خود می نویسد:

«می گویند: جمال مبارک فرموده دین ها یکی شود. جمال مبارک جنگ را حرام گردانیده... مانند سخن بها را ما امروز از وزیر خارجه آمریکا می شنویم. این وزیر خارجه می گوید: پس از جنگ باید همه دین ها یکی باشد».

یکی از نویسندگان بهایی از قول عبدالبها می گوید:

«... و از جمله قضایای عجیبه که واقع گشته این است که مشرق الاذکار در قطب امریک [آمریکا] بنیان می گردد... ملاحظه کنید که امرالله به چه درجه قوت یافته که خانمی فرنگی گیس خویش را فدای مشرق الاذکار می نماید...» (۱۴۶). در یکی از کتب بهائیان آمده است:

«از سال ۱۸۹۴ میلادی قوای مکنونه علم الهی با ایمان تورنتون چیس در آمریکا به سریان آمد و امر الهی در آن دیار به سرعت انتشار یافت و نفوس مقدسی به امر حضرت بها... مؤمن گشتند... و یک شبه ره صد ساله رفتند تا آنجا که موفق شدند آمریکا را به عنوان مهد نظم اداری بهائی مفتخر سازند» (۱۴۷).

و در کتاب دیگری از بهائیان چنین نوشته شده است:

«در آن زمان که امرالله در خطه امریک [آمریکا] سریعاً رو به پیشرفت بود و ید غیبی الهی بذرمحبت الله را در قلوب صافیه مردمان آن سامان می کشید میسر [خانم] ماکسول به دستور مبارک در سال ۹۱۶ میلادی فرمان تبلیغی را در یکی از جلسات کانونشن ابلاغ نمود و در آن جلسه درباره نحوه اجرای آن شور و مشورت گردید و حاضرین در جلسه و سایر احباب قیام عاشقانه نمودند و ترک اوطان کرده به نقاط دور و نزدیک هجرت نمودند و در اثر جانفشانی های آن مؤمنین مخلص بود که علم [پرچم] یا بهاء الابهی در اقصی نقاط عالم و جزایر دور دست مرتفع گردید...» (۱۴۸).

نقش زنان در بهائیت

با توجه به نقش کلیدی و مؤثر زنان در تمام ارکان جامعه و حرکت های اجتماعی، سران فرقه ضاله و استعماری بهائیت، از همان ابتدای تشکیل این فرقه یعنی زمان خروج سید علی محمد باب - با به کارگیری دستورات کانون های قدرت صهیونیستی - از زنان به عنوان عامل اصلی انحراف از حق و جذب افراد به این کیش استعماری استفاده کرده و می کنند.

استعمارگران با مطالعه در رفتارها و آموزه های مسلمانان دریافته اند که هرگز نمی توان به صورت مستقیم مسلمین را از دین الهی و راه راست خود منحرف کرد، به همین سبب با مطالعات عمیقی که در آیات قرآن و سنن و آداب دینی داشته اند، دستورالعمل های کلیدی آن را یافته و در صدد نفی و خدشه دار کردن آنها در اذهان عمومی مسلمانان برآمده اند و آنقدر روی این مسائل کار کرده اند که عملاً بخش عظیمی از پیکر امت اسلامی مصداق آیه شریفه «نؤمن ببعض و نکفر ببعض» شده اند و دشمنان را به ادامه راهشان امیدوار کرده اند. از جمله کلیدی ترین نکات آموزه های مسلمین می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- ارتباط و جهت گیری مسلمین از روحانیون و عال مان عامل به دین.
 - ۲- نماز جماعت به عنوان یکی از بهترین شیوه های جذب و اتحاد مسلمین و آگاهی از اوضاع مسلمانان و محیط اطرافشان.
 - ۳- ارتباط تنگاتنگ دین و سیاست که دست هریکانه ای را از امور مسلمانان کوتاه می کند.
 - ۴- طهارت نسل که ضامن بقای نسل بشر است.
 - ۵- حیا و عفت زنان که در سایه حجاب آنان بخش اعظم سلامت جامعه تضمین می شود.
 - ۶- نقش زنان در تربیت مردان آینده و کل جامعه.
 - ۷- جهاد در راه خدا.
- از همین روی بینیم که دشمنان در کیش ساختگی خود، «بهائیت»، به صراحت وجود طبقه ای با نام روحانیت را نفی کرده (۱۴۹) و مدعی جدایی دین از سیاست شده اند. دیوید کیپز نماینده بهائی های فرانسه در این مورد می گوید:
- «این مذهب نه روحانیت و نه مرجع مذهبی را به رسمیت نمی شناسد و برابری بین زنان و مردان را ترغیب می نماید. . .» (۱۵۰)

۱۴۴- ورقا مدیریت گروه آموزش جغرافی دانشگاه تربیت معلم را برعهده داشت وی در سال ۱۳۵۷ و در بجنوبه انقلاب با ۹۰ میلیون بدهی مالیاتی از ایران فرار کرد.

۱۴۵- کسروی، احمد، بهائیگری، صص ۹۸ - ۹۹.

۱۴۶- یزدانی، احمد، مقام و حقوق زن در دیانت بهائی، جلد اول، صص ۴۵ و ۴۶.

۱۴۷- کتاب هشتم، ص ۱۰۶.

۱۴۸- ارباب، فروغ، اخترا تآبان، مؤسسه ملی مطبوعاتی امری، ۱۲۲ بدیع، ص ۳۰۹.

۱۴۹- آئین جهانی، ص ۷۱.

۱۵۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، مورخه ۱۳۷۲/۲/۲۱، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

سه شنبه ۸ آذر ۱۳۸۴ - ۲۶ شوال ۱۴۲۶ - ۲۹ نوامبر ۲۰۰۵ - سال شصت و چهارم - شماره ۱۸۳۹۳

سایه روشن های بهائیت - ۵۲

منجلا ب فساد

آنها با وجودی که در ظاهر دخالت در سیاست را نفی می کنند اما در تمام سخنرانی ها و کتاب ها و آموزه های خود، دخالت در همه امور آن هم دخالت تمام و کمال را خواستارند. دیوید کیپز نماینده بهایی های فرانسه، در مراسم یکصد و پنجاهمین سال پایه گذاری فرقه ضاله بهائیت، می گوید:

«بهائیان برای تسریع روند تغییرات به سوی صلح جهانی در اقدامات آموزشی و بهبود وضعیت اجتماعی در سراسر جهان دخالت می کنند» (۱۵۱).

بهائیان همچنین از هر حرکت جمعی مذهبی نیز نهی شده اند. به همین سبب آنان چیزی به نام نماز جماعت و... ندارند و البته این به معنای آن نیست که آنها با یکدیگر متحد نیستند بلکه تنها از اعمال مذهبی به صورت جماعت در جامعه مسلمین جلوگیری می کنند.

بهائیان ازدواج با همه محارم را جز با زن پدر جایز می شمردند (یعنی ازدواج با خواهر، خاله، عمه، خواهرزاده، برادرزاده، و... همگی جایز بود) و این از کثیف ترین دستورالعمل هایی بود که بهائیان برای حفظ و ازدیاد نسل خود به آن تن دادند و علاوه بر این مانند پیشینیان خود از راه فطرت و اخلاق خارج شده و روابط فاسد و لجام گسیخته و غیرطبیعی را به عنوان امری پذیرفته شده در میان خود قبول کرده اند و مرتکب می شوند و در صدد آن هستند همان طور که در غرب برخی کشورها این عمل زشت اخلاقی را قانونی کرده اند در تمام دنیا به صورت اصلی قانونی در آورند. با نگاهی گذرا به سیر تاریخی این فرقه و دستورالعمل های مکتوب و منتشر شده آنان، مشاهده می کنیم که این اعمال از ابتدای حرکت این افراد جاسوس و خود فروخته غرق در لجزار هواهای پست نفسانی یکی از مهم ترین اصول پذیرفته شده آنان بوده است. آنها عقیده داشتند:

«... ایام فترت است و هیچ تکلیفی بر مردم واجب نیفتاده. اگر چه در شریعت باب یک زن را نه شوهر جایز است، لکن اکنون اگر افزون بخواهد منعی نباشد و هر یک از آن جماعت نامی از انبیاء کبار و ائمه اطهار را برخویش می نهادند و زنان و دختران خویش را به نام و نشان زنان خانواده طهارت می خواندند و هر جا که جمع می شدند به شرب خمر و منهیات شرعی ارتکاب می نمودند و زنان خویش را اجازه می دادند تا بی پرده به مجلس نامحرم درآمده و به خوردن شراب مشغول شوند و سقایت نمایند» (۱۵۲).

ارتشبد حسین فردوست در خاطرات خود نمونه های بسیاری از رفتارهای ناهنجار مردان بی بند و بار بهائی همچون هویدا و...

را ذکر می کند و علاوه بر آن افرادی مانند صبحی، بهائی تواب، نیز نمونه های بسیار دیگری را در کتاب «خاطرات صبحی» خود نقل می کند که به دلیل عفت قلم و احترام به خوانندگان محترم از بازگویی و بازنویسی آن معذوریم. قره العین، زن فاسد و بی عفتی که با گفتار و رفتار فاسدش نقش مؤثری در معرفی و جذب افراد منحرف به این فرقه داشت خطاب به پیروان بایگیری گفته است:

«ای اصحاب، این روزگار از ایام فترت شمرده می شود، امروز تکالیف شرعی به یکباره ساقط است و این صوم (روزه) و صلوه (نماز) و ثنا و صلوات کاری بیهوده است... پس زحمت بیهوده بر خویش روا ندارید و زنان خود را در مضاجعت (همخوابگی و همبستری) طریق مشارکت! بسپارید!» (۱۵۳)

و البته این جملات از کسی که مرید فرقه ای استعمار ساخته است، بعید نیست، چرا که وزارت مستعمرات انگلیس - از مؤسسان و حامیان فرقه های ضاله - نیز خطاب به یکی از جاسوسان خود در کشورهای اسلامی می گوید:

«در مسئله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر، مشتاق شوند... پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ماست که جوانان را به عشق بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان تشویق کنند و به این وسیله فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند» (۱۵۴).

بهائیان همچنین با توجه به تأثیرپذیری کودکان و نوجوانان بیشترین تلاش تبلیغی خود را بر روی این نسل متمرکز کرده اند و لجنه های گلشن توحید با احداث مهد کودک ها و مدارس و ترتیب دادن اردوهای تبلیغی کودکان و نوجوانان را به خود جذب می کنند.

آنها همچنین به بهانه صلح و شعار تساوی زن و مرد، زنان را در تمام عرصه ها به عنوان عروسک های خیمه شب بازی که سرخ آنان دست صهیونیست ها است، به روی صحنه آورده و می خواهند به وسیله آنان صلحی منطبق بر نظم نوین و تک قطبی جهانی برقرار سازند.

عبدالبهاء در یکی از مطالب خود می نویسد:

«... و چون [هنگامیکه] نسوان در عالم انسانی نفوذ و تأثیر کلي یابند، از جنگ محققاً جلوگیری نمایند... نفرت و انزجار آنان [زنان] نسبت به جنگ باید برای استقرار و حفظ صلح عمومی!!! [مورد استفاده قرار گیرد]» (۱۵۵).

و البته بهترین و مؤثرترین کار زنان نقش تبلیغی آنان است:

«ای اماء رحمن، محفلی... آرایش دهید و در آن محفل به کمال حکمت در اوقات مخصوصه مجتمع شوید و به ذکر آن یار مهربان مشغول گردید و مذاکره در ادله و براهین ظهور جمال مبین فرمائید تا هر یک از اماء رحمن نطقی بلیغ یابند و لسانی فصیح بگشایند و سبب هدایت اماء کثیره گردد و علیکن التحیه والثنا...» (۱۵۶)

با توجه به آثار منتشره بهائیان مشاهده می شود که آنان دنباله روفرقه استعماری و هابیت هستند که با تلقین جاسوس انگلیسی، مستر همفر، حمایت های قوای نظامی و مالی انگلیس ایجاد شد. حضرت امام «رضوان الله تعالی علیه» سالها پیش، از این هماهنگی پرده برداشته و می فرمایند:

«یک حقایقی در کار است، شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این بهائی ها مراجعه کنید، در آنجا می نویسند: تساوی حقوق زن و مرد رأی عبدالوهاب، آقایان هم از او تبعیت می کنند... نظامی کردن زن، رأی عبدالوهاب، آقا تقویمش موجود است، نگوئید نیست...» (۱۵۷).

نقش زنان غربی در گسترش فرقه

در طول بیش از ۱۵۰ سالی که از ایجاد این فرقه ضاله گذشته است چه در شرق و چه در غرب همواره زنان به عنوان مهره هایی فعال در پیشرفت آن مورد استفاده قرار گرفته اند که بسیاری از آنان را زنان آمریکایی تشکیل می داده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

□ لویزا مور و همسرش گتسینگر (هر دو آمریکایی بودند). روحی ماکسول در مورد لویزا مور می گوید:

«راه های ناصاف را برای موفقیت ما [بهائیان] هموار می کرد و مل وار خود را به آب می انداخت که بهر ما [بهائیان] پل نجاتی ایجاد کند».

□ فوئب هرست یکی از متمولینی که موقوفات زیادی برای بهائی ها در آمریکا از خود به جای گذاشت. او معاون دانشگاه کالیفرنیا بود که در سال ۱۸۹۸ لویزامور و همسرش را به این دانشگاه دعوت کرد.

□ میس اتل روزنبرگ متولد ۱۸۵۸ انگلیس.

□ میسیز هلن گودال (آمریکا) که روش تبلیغی او را چنین معرفی می کنند:

«در محافل و مجالس که تشکیل می گردید، رسم چنان بود که میسیز گودال یک لوح را تا آخر تلاوت می کرد و به هیچکس اجازه نمی داد که راجع به آن بحث کند...»

۱۵۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، مورخه ۱۳۷۲/۲/۲۱، به نقل از خبرگزاری فرانسه.

۱۵۲- عبدالحسین نوایی، فتنه باب، ص ۱۴۰

۱۵۳- بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، انتشارات سخن، ص ۱۱۴

۱۵۴- خاطرات مستر همفر، جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی، ترجمه دکتر محسن مؤیدی، انتشارات امیرکبیر، ص ۸۴

۱۵۵- احمد یزدانی، مقام و حقوق زن در دیانت بهائی، ص ۹۲

۱۵۶- احمد یزدانی، مقام و حقوق زن در دیانت بهائی، ص ۱۴۶

۱۵۷- صحیفه نور، ج ۱، ص ۵۶

چهارشنبه ۹ آذر ۱۳۸۴ - ۲۷ شوال ۱۴۲۶ - ۳۰ نوامبر ۲۰۰۵ - سال شصت و چهارم - شماره ۱۸۳۹۴

سایه روشن های بهائیت - بخش آخر
وارونه نگاری روشنفکران درباره بابیت

این نحوه تبلیغ در امریک [آمریکا] مرسوم گردید و باعث شد که امر [بهائی] در سانسفراسیسکو و اطراف منتشر گردد» (۱۵۸).
او از کسانی است که در تصویب ساختمان مشرق الاذکار و جمع آوری اعانات نقش بسزایی داشت.

❑ سارا فارم ز: (آمریکایی) مؤسس «گرین ایکر» (۱۵۹)

❑ می ماکسول مادر روحیه ماکسول: مبلغ در آمریکا، کانادا، فرانسه.

❑ روحیه ماکسول: زن شوقی افندی.

❑ میسز کراپز ملقب به مریم: اولین بهائی انگلستان.

❑ لیدی بلامفیلد ملقب به ستاره: (لندن): در ژنو فعالیت تبلیغی را به صورت غیر مستقیم و تحت عنوان «نهضتی برای صلح

اعظم جهانی» شروع کرد و بهائیت را در جامعه ملل که در ژنو تشکیل می شد و منظور اصلی او بود نفوذ داد.

❑ میس آلمانویلاک آلمانی الاصل ساکن آمریکا: مأمور اعزامی به آلمان در زمان جنگ جهانی اول - ۱۹۰۷ - بود.

❑ دکتر سوزان مودی ملقب به امه الاعلی، آمریکایی است. مودی از طرف عبدالبهّا به ایران اعزام شد. او به بهانه مراقبت در

امور طبي و بهداشتی و تعلیم و تربیت زنان بهائی به ایران آمده بود:

«دکتر مودی گرفتاری های زن های ایرانی را از لحاظ بهداشت و فرهنگ و وجود حجاب و... با محافل آمریکا در میان

گذاشت... به تأسیس مدرسه تربیت همت گماشت... و خانم های دیگری را نیز از آمریکا به ایران دعوت نمود... اول

میس لیلیان کیس (۱۲۹۰ شمسی)... و پس از آن میس جنویر... سارا کلاک... الیزابت استوارت... میس ادلید شارپ و...

...» (۱۶۰).

❑ میس لیلیان کیس: معلم مشهور مدرسه تربیت تهران.

❑ میسز کلارا دان امریکایی الاصل مبلغه در قاره استرالیا.

تلقی روشنفکران از بابیگری

چگونگی تکوین بهائیت بیش از هر چیز این نکته را اثبات می کند که فرقه مذکور با هدفهای استعماری شکل گرفته و در طول

تاریخ حیات خود همواره از سویی کانونهای قدرت بیگانه حمایت و هدایت شده است اما متأسفانه جریان روشنفکری ایران

به دلیل خصلت دوگانه سکولار و غرب زده بودن، همیشه سد و مانعی در راه بررسی و شناخت درست این فرقه ایجاد کرده و

مانع از درک و دریافت صحیح مردم از علل و عوامل واقعی پیدایش بهائیت و تأثیرات آن بر تحولات اجتماعی ایران شده

است. نگاهی گذرا به آثار روشنفکران پیرامون فرقه های ضاله بابیت و بهائیت این نکته را به خوبی نشان می دهد. متأسفانه

عمده روشنفکران و مورخین معاصر اعم از چپ یا راست، سعی نموده اند فتنه و بلوای بابیگری و بهائیگری را به عنوان یک

«جنبش» مورد بررسی قرار داده و از این رهگذر خصلت مترقی به آن بخشیده اند.

در میان انبوه کتابهای رنگارنگی که از ابتدا درباره فتنه باب و بها به رشته تحریر درآمده است کمتر کتابی وجود دارد که نگاهی واقع بینانه به این مسأله داشته باشد. این لغزش و خطا تنها منحصر و ویژه مورخین و نویسندگان و تحلیلگران مارکسیست نیست. حتی برخی از نویسندگان کتابهای مذهبی هم در این مورد دچار لغزش و خطا هستند.

محمدرضا فشاهی (۱۶۱) که اکنون به عنوان استاد در دانشگاه پاریس به تدریس فلسفه مشغول است در کتابی که به نام «واپسین جنبش قرون وسطایی در دوران فتودال» منتشر کرده از فتنه و بلوای استعماری بایبگری به عنوان «جنبش» یاد می کند و آن را حامل شعارهای «مساوات گرایانه» می داند و می نویسد:

«مخالفان انقلابی فتودالیسم در تمام دوران قرون وسطی وجود داشتند و مبارزات آنان به مقتضای زمان، غالباً به شکل عرفان، الحاد آشکار و یا قیام های مسلحانه تجلی می نمود.

درمرز نیمه اول و نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، تحولاتی در اندیشه مذهبی و تفکر در ایران روی می داد که به نام «مکتب شیخیه» شهرت دارد. این تحول که در آغاز در اندیشه مذهبی و عرفانی شکل گرفت سرانجام در سیر تکاملی، خود به «جنبش بایبان» یعنی یک جنبش اجتماعی منجر شد. بنابراین تعریف جامع، این جنبش درمرز بین جامعه کهن فتودالی و انحطاط و تجزیه سریع آن قرار دارد و خود یکی از عوامل این انحطاط و تجزیه سریع است. در این جنبش به شکل بسیار مهمی، آن گذار عظیم تاریخی از جامعه سنتی به جامعه درحال پیدایش منعکس است که «باب» [علی محمد شیرازی] ایدئولوگ دینی آن بود.» (۱۶۲)

محمدرضا فشاهی در ادامه این تعریف می افزاید:

«ویژگی این جنبش در حالت مرزی آن است که در عین شباهت کامل به جنبش های الحادآمیز قرون وسطایی، برخی هسته های جنبش های غیرمذهبی سوداگری بعدها را نیز با خود دارد. به دیگر سخن، در جنبش بایبان هم شعارهای قیام های مساوات گرایانه دهقانان قرون وسطایی و هم برخی شعارهای موردپسند سوداگری انعکاس یافته است. بدین سان در این جنبش، عناصر قرون وسطایی قیامهای دهقانی و فقرای شهری و عناصر قیام های دموکراتیک و لیبرال دوران آغاز شونده، با هم درآمیخته...» (۱۶۳)

فشاهی از نحوه برخورد با بایبگری اظهار تأسف می کند و می نویسد:

«تاکنون با مکتب شیخیه و بویژه با جنبش بایبان همچون یک حرامی رفتار شده است و چنین وانمود شده است که گویا این مکتب و سپس آن جنبش از بطن تاریخ و فرهنگ ایرانی و اسلامی بیرون نیامده و دنباله و نتیجه منطقی تحولات اجتماعی و فکری ایرانیان نبوده است...» (۱۶۴)

البته این نگرش و تحلیل تنها مختص محمدرضا فشاهی نیست. باقر مؤمنی (۱۶۵) هم در کتاب «ایران در آستانه انقلاب مشروطیت» حرکت استعماری و فتنه باب و دنباله آن، بهائیگری، را یک «جنبش» می نامد و به طور کلی اکثر روشنفکران غرب زده و نویسندگان و عناصر مارکسیست، فرقه باب و بهائیت را یک جنبش و یک حرکت مترقی ارزیابی می کنند و منشأ آن را به طریقی با تضاد طبقاتی مبتنی بر مالکیت و ثروت توجیه می نمایند که این امر نشانه فاصله داشتن از واقعیت های جامعه ایران است.

- ۱۵۸- فروغ ارباب، اختران تابناك، مؤسسه ملي مطبوعاتي امري ۱۲۲ بديع، ص ۲۰۶.
- ۱۵۹- مدرسه تابستانه بهائي كه توسط محفل ملي آمريكا و كانادا اداره مي شود. اختران تابناك، ص ۲۱۸.
- ۱۶۰- اسامي و سابقه افراد از كتاب اختران تابناك، نوشته فروغ ارباب، انتشارات مؤسسه ملي مطبوعاتي امري، ۱۲۲ بديع برداشت شده است.
- ۱۶۱- محمدرضا فشاھي در سال ۱۳۲۴ در تهران به دنيا آمد. تحصيلات خود را در دبیرستان کشاورزي «مامازن» به پايان برد. فعاليت ادبي و مطبوعاتي را از سال ۱۳۴۷ از مجله فردوسي و با چاپ سفرهاي «موج نو» آغاز كرد و كم كم به چهره اي شناخته شده در ميان جوانان مبدل گرديد. در اواخر دهه ۱۳۴۰ با يك دختر ارمني ازدواج كرد و در اوایل دهه ۱۳۵۰ به همراه وي به فرانسه مهاجرت كرد. فشاھي در پاریس به تكميل تحصيلات خود در رشته فلسفه پرداخت و هم اكنون به عنوان استاد فلسفه در يكي از دانشگاه هاي پاریس به كار اشتغال دارد.
- ۱۶۲- محمدرضا فشاھي، واپسين جنبش قرون وسطايي در دوران فتودال، انتشارات جاويدان، چاپ اول، ۱۳۵۶، مقدمه.
- ۱۶۳- همان.
- ۱۶۴- محمدرضا فشاھي، همان.
- ۱۶۵- براي آشنائي با شرح حال و عملکرد باقر مؤمني به جلد هفتم از مجموعه كتاب هاي «نيمه پنهان»، دفتر پژوهش هاي مؤسسه كيهان، مراجعه فرماييد.